ادامه از صفحه ۱۰

بدبخت‌کردن سایر انسان‌ها

اما نکته قابل‌تأمل‌تر شـاید به عنوان ایده اصلی فیلم اینکه در جریان بازپرسـی‌ها و انتقال ناصر به بازداشـگاه، صمد (پیمان معادی) به شکل بسیار غیرمنتظره و عجیب، دستان ناصر را از غُل و زنجیر رها کرده و در مقابل چشمان حیرت‌زده ما (بیننده) و همکارانش، این توزیع‌کننـده و خلافکار بزرگ را ظاهرا آزاد می‌کند تا به خانه‌اش برود!... با مشاهده نحوه دویدن بدون هدف و «ابزورد» ناصر در خیابان بـرای رهایی از چنگال پلیس، پیش از دسـتگیری مجدد او توسط همکاران صمد، به این فکر می‌افتیم که گویا ایـن خلافکار حرفه‌ای و سـابقه‌دار، دیگر هیچ مکان و محیط امن و آرزومندانه‌ای برای رفتن نـدارد!... با وجود همه تلاش‌هایش در سـوداگری مواد افیونی، او در اعماق وجود همچنان خودش را اسیر و گرفتار همین محیط و شرایط و زندانی قانون می‌انگارد و در اعماق ناخودآگاه، گویی هیچ نقطه و مقصدی برای رهایی‌اش نمی‌یابد. به همین جهت بازهم به شـکل مضحک و بدون تقلای زیاد، پس از دویدن مسـافت بسیار کمی که آزادانه از اتومبیل حمل متهمان دور شده دوباره دستگیر می‌شود. از سـوی دیگر، کمی بعد در جریان گفت‌وگوی همین شـخص با قاضی دادگاه (فرهاد اصلانی) ناصر از آرزوهـای سرکوب‌شـده کودکی‌اش بـرای قاضی می‌گویـد. اینکه با وجـود آرزوهای «عقده»شـده دوران کودکی‌اش، مجبور شـده تا بـرای رهایی از محیط و شـرایط خفقان‌آور زندگی در «پایین شهر» و کوچه‌های بـه غایت تنگ و فلاکت‌بار آن حوالی، با دسـت‌زدن به حرفـه خطیر توزیع مـواد، ثروت هنگفت و رفاه شـاهانه‌ای برای پدر و مادر و سـایر اعضای خانواده فراهم کند. با چاشـنی این مفهوم که آرزوهای کودکی چنانچه مسیر و شرایط مناسب برای شـکوفایی پیـدا نکنند، تبدیل بـه عقده‌های ویرانگری می‌شـوند که حاضر اسـت تا جوانان و کـودکان زیادی از این سـرزمین را با گرفتارکردن به مصرف مواد افیونی، به خاک سـیاه بنشاند تا شاید اندکی سـیراب شـود!... هرچند ایـن توزیع‌کننده بی‌رحـم خانمان‌برانداز با اشـک و آه و اصرار زیاد برای ما و مأموران قسـم می‌خورد که هرگز زندگی هیـچ «کودکی» را در ایـن راه به خطـر نینداخته است!... و این شاید تنها نکته و تصویر انسانی فیلم در میان انبوهی از تصاویر و گفته‌های خشـونت‌بار و تکان‌دهنده باشـد... همچنان که طبق گفته‌های ناصـر، عقده‌هـای فروخورده‌اش همچـون خرید خانه‌ای کنار کاخ سـعدآباد، قرار بـوده تا آرزوهای شاهانه این جوان را تحقق بخشد یا فرستادن فرزند خواهرش به کانادا برای تحصیـل، که قرار بوده تا عقده «فرنگ‌رفتن» و برتری‌جویی یک شرقی غمگین را از جبر جغرافیایی گرفتارآمده در آن تسکین دهد... جالب اینکه در پایان باز هم شـاهد هستیم فرزندان خانـواده‌ای که تا چنـدی پیش با ثـروت هنگفت حاصل از فروش «مواد» به تحصیل در کشور کانادا می‌پرداخته‌اند، چگونه باز هم به کوچه‌های تنگ و فلاکت‌زده پایین شـهر و در واقع به اصل خودشان بازمی‌گردنـد... تا به طور موازی و هم‌زمان شـاهد به دار آویخته‌شـدن همان شـخصی باشیم که این ثروت افسـانه‌ای را برایشـان مهیا کرده است... در واقع این افراد با وجود دستیابی به ثروت افسانه‌ای و موقعیت‌های آرزومندانه، به نظر می‌رسد همچنان به هویت و جایگاه طبقاتی و سنتی‌شـان وابسـته هسـتند... و اما در پایان صمد، پلیس ظاهرا بی‌نیاز (!) و درستکار را مشـاهده می‌کنیم که با نپذیرفتن رشوه وسوسه‌انگیز از این سوداگران مرگ، با تصویری بر بالای دیوار زندان، شاهد ازبین‌رفتن افرادی است که آرزوهایشان را بدین‌سان به گور می‌برند... .

گفت‌وگو با هارون یشایایی

از دوستی با بیژن جزنی تا تهیه‌کنندگی سینما

ادامه از صفحه ۱۰

البته ساخت «ناخدا خورشید» هم داستان مفصلی دارد. از ابتدا قرار بود تقوایی این فیلم را بسازد؟

آقای خامین و سـعادت‌پور، تهیه‌کنندگان قبلی فیلم، که در اصفهان با ناصر آشنایی داشتند و ناصر آنها را به ما معرفی کرده بود، قبلا کار فیلم را شـروع کرده بودند اما نتوانسته بودند ادامه دهند. بنابراین وارد شدیم و با هم کار را ادامه دادیـم، در حالی که فیلم در مرحله پیش‌تولید بود. فیلم پرهزینه و پرمشـقت شد. ناصر خیلی زحمت کشـید. در زمانی که سینما و فرهنـگ ایران هنوز ابعـاد جهانی پیدا نکرده بود، ایـن فیلم با دریافت جوایز متعدد ازجمله جایزه شـیر طلایی جشـنواره لوکارنو قدم اول برای شناساندن سیمای ایران به جهان را برداشت.

چرا «ناخدا خورشید» در زمان نمایش با مشکل مواجه شد؟

برای انتخاب سـینما با مشکل روبه‌رو شـدیم. اما همیشه مردم از این فیلم اسـتقبال کردند. خوشبختانه وزارت ارشاد فیلم را از نظر فنی مرمت کرد که خیلی هم خوب شـد. بعد از این فیلم، در سال ۱۳۷۴ با احمدرضا درویش «کیمیا» را ساختیم.

زمانی که این دو فیلم را سـاختید، آقای بهشـتی در بنیاد سینمایی فارابی مدیر بود. نگاهشان به فیلم‌ها چگونه بود؟

به نظرم آقای بهشـتی یکی از مدیران آگاه و دلسوز جمهوری اسلامی هسـتند. محمد بهشـتی شـاید بیش از دیگران بر گردن سـینمای بعد از انقلاب حق دارد چون خیلی کاردان و آگاه بود و هرجا که رفت مدیر خوبی شـد. بعضی از سینماگران اوایل فشاری را که انوار و بهشتی به دفاتر فیلم آوردند، ملاک قرار می‌دهند. اما این کار اصلا نمی‌تواند ملاک قضاوت باشد. آقای انوار بسـیار انسان شریفی اسـت. ولی نمی‌دانم در کار سینما چقدر مؤثر بود چون با ایشـان ارتباطی نداشتم. اما قبل از شروع همه فیلم‌ها با آقای بهشـتی صحبت می‌کردم و امروز هم به ایشان اعتقاد دارم. دهه ۶۰ بود که بعـد از اظهار نظر تاریخی امام (ره) درباره فیلم «گاو»، سـینمای نوین ایران را بهشـتی راه انداخت و فارابی شکل گرفت. فیلم «کیمیا» که مربوط به دفاع مقدس بود، با بازی خسـرو شـکیبایی و بیتا فرهی یکی از بهترین فیلم‌های دفاع مقدس شـد، همراه با فیلم‌بـرداری بی‌نظیر آقای کلاری. از این فیلم خیلی راضی هستم.

در مورد «هامون» شاهکار آقای مهرجویی بگویید.

«هامـون» را تقریبا هم‌زمان با «کیمیا» کار کردیـم. البته با مهرجویی شـریک بودیم ولی تهیه‌کننده ما بودیم و سـرمایه‌گذاری مشـارکتی بود. «هامون» به این دلیل ماندگار شـد چون بیان‌کننده مشـکل نسـل جوان آن زمان بود و ظاهرا هنوز هم هسـت. یعنی نگاه مهرجویی به مشکلات روشـنفکرانه بود. خودش از این مشـکلات آگاه و خوب هم ترسیم کرده بود. خوشـبختانه «هامون»خیلی مورد توجه نسل جوان قرار گرفت. البته «اجاره‌نشین‌ها» از نظر فروش از همه بهتر بود. «هامون» هم فروش خوبی داشـت. بعد از آن «در مسیر تندباد» را در سال ۱۳۶۸ ساختیم که از همه فیلم‌هایمان بزرگ‌تر بود.

حتی از «ناخدا خورشید»؟

بلـه. چهار لوکیشـن بـزرگ داشـتیم؛ در سـمیرم، فارس، شـیراز و تهـران فیلم‌بـرداری کردیم. به نظرم بهترین فیلمی اسـت که مسـعود جعفری‌جوزانـی کارگردانی کرده و آن‌طور از کار درآمد که می‌خواسـت. پس از آن با تقوایی «ای ایران» را ساختیم.

به نظر می‌رسد در حق «ای ایران» اجحاف شد. نظرتان چیست؟

حین اجرای پروژه مشکلاتی پیش آمد. چون شرکایی داشت که ناصر با آنها به توافق نرسید و به من گفت تو فیلم را تمام کن. من سهم شرکایش را دادم. البتـه آشـفتگی‌های ذهنی ناصر پیش آمد و باعث شـد او کار را نیمـه‌کاره رها کند. مـن این فیلم را دوسـت دارم. بخش‌هایی از فیلم به نظرم بی‌نظیر اسـت. سـپس در سـال ۱۳۷۵ با مخملبـاف فیلم «نون و گلدون» را ساختم.

کار با ایشان چطور بود؟

قابلیت‌های هنـری زیادی دارد و در عمل خیلی مبتکر اسـت. ولی خیلی از بالا دنیا را می‌بیند. یعنی این‌طور خیال می‌کند که من همه‌چیز را می‌بینـم و بقیـه نمی‌بینند! تغییر دیدگاه داشـت. از یک طرف «توبه نصوح» را ساخت و بعدها «سکس و فلسفه» را! این نوسان محل سؤال اسـت. بعد از آن در سـال ۱۳۷۷ «شـهر زنان» را به کارگردانی عطاله حیاتی ساختیم که گویای سـنت‌هایی از مردم کوهپایه‌های دماوند بود. سپس در سال ۱۳۸۶ «دیوار» را به کارگردانی محمدعلی طالبی ساختیم که گلشـیفته فراهانی در آن بازی می‌کرد. بعد از آن کار سـاخت فیلم سـینمایی را رها کردیم. البته دو فیلم هم با مشارکت ساختیم؛ «مدرسه پیرمردها» و «سـلام سـرزمین من». چند سـال اسـت به مسـتندهای محیط‌زیسـتی روی آورده‌ایـم که پسـرم کیارش کار می‌کنـد؛ ازجمله فیلم‌های «از آشـوراده تا آستارا» و «تهران، شـهری سرفراز در طبیعت به‌یغمارفته» و چند فیلم دیگر.

عکس: سهند تاکی، شرق

یعنی کار سفارشی انجام می‌دهید؟

سـینمای مسـتند به این صورت اسـت که سـفارش می‌گیرید و فیلم می‌سـازید. آنها مستندسازان حرفه‌ای هستند، اما ما به سلیقه خودمان در زمینه محیط زیست فیلم می‌سازیم و سفارش نمی‌گیریم.

واقعا دوست ندارید دیگر فیلم سینمایی تهیه کنید؟

خیر.

چرا؟

چـون قواعد بازی عوض شـده و ما روابط را بلد نیسـتیم و مدام وارد خاکی می‌شویم. کلا دیگر از فضای فعلی سینما خوشم نمی‌آید!

به نظر شما وضعیت آتی سینمای ایران چطور خواهد شد؟

فیلم‌های خوبی سـاخته می‌شـود. من چند سـال داور جشنواره‌های مختلف سـینمای ایران بودم. جالب اسـت بازار فیلم‌های زرد درجه سه بی‌محتوا سـینما را اشـغال کرده بود و الان دیگر این فیلم‌ها هم خواهان ندارند.

اینکه سینما از دست اهل سینما دربیاید، خبر خوبی نیست. لزوما هرکس پولی دارد، نباید وارد سینما شود. سینما یک تخصص است. مثلا هرکس پول داشته باشد نمی‌تواند نقاشی بکشد یا ویلن بزند. صرف داشتن پول باعث شده سینما از مدار خارج شود. شما مجبورید به نیازها و گفته‌های صاحبان پول تمکین کنید و نمی‌توانید خواسته‌های آنها را نادیده بگیرید

به نظرتان «متری شـیش‌ونیم»، ساخته سـعید روستایی، خوب است؟

بـه نظرم فیلم قابل توجه و دیدنی اسـت. تدارکاتـی که در این فیلم دیده شـده شوخی نیسـت. آن سیاهی‌لشـکر را اداره‌کردن آسان نیست. اینکه این افراد، افراد واقعی جامعه هسـتند کار را مشـکل‌تر کرده است. به اضافه بازی بسـیار هنرمندانه نوید محمـدزاده و پیمان معادی خیلی به فیلم کمک کرده بود اما سـوژه تکراری بـود. یکی از فیلم‌هایی که به نظرم جالب اسـت «سرخپوست» اسـت. البته نوید محمدزاده تا به حال نقش‌های معتاد و عصبی را بازی کرده اما در «سرخپوسـت» واقعا بازی خوبی ارائه داده بود و نشـان داد یک هنرپیشـه در فضای درک موقعیت خودش است. به نظرم بازی نوید در این فیلم خوب بود. فیلم «بمب؛ یک عاشقانه» را هم پسندیدم.

شـاید چون فضای دهه ۶۰ را نشان می‌دهد که شما هم با آن آشنا هستید؟

شـاید! اما نمی‌دانم چرا مورد توجه قـرار نگرفت! به‌لحاظ فیلم‌نامه، باید بهترین انتخاب می‌شد.

البته در هشـتمین شـب فیلم‌نامه کانون فیلم‌نامه‌نویسان جایزه بهترین فیلم‌نامه درام را به پیمان معادی اهدا کردند.

چه خوب. حسـنش این بود از فیلم‌نامه‌های تکراری مثلث عشـقی و خیانت گذشـته بود و روی مسـیر خوبی پیش رفـت. پس‌صحنه‌ها و فیلم‌برداری خوبی هم داشـت. نکته‌های جالبی داشـت و برای ما که آن سـال‌ها را تجربه کرده بودیم، قابل درک بود؛ مثلا رفتن به پناهگاه و تخته‌نرد بازی‌کردن.

نظرتان درباره سینمای آقای فرهادی چیست؟

باید سـینمای جهان امروز را بشناسـیم تا درباره سـینمای فرهادی قضاوت کنیم. سـینمای فرهادی در روال سـینمای امروز است؛ چیزی که عباس کیارسـتمی به سـینمای جهان داده بود. کیارسـتمی واقعا خدمـت بزرگـی به سـینمای ایران و جهـان کرد. به نظـرم فیلم‌های فرهادی خوب‌اند، البته فیلم «همه می‌دانند» به نظرم جالب نبود. حتی «فروشنده» هم افت داشت. فیلم اساسی فرهادی «درباره الی» بود.

در آستانه روز سـینما، نظرتان درباره این روز چیست؟ از نظر شما روز ملی سینما چه مفهومی دارد؟

سـینما الان متعلـق به جوانان اسـت. قبـلا خانواده‌ها به سـینما می‌رفتند، ولی الان تلویزیون و نمایش خانگی مشغولشـان کرده است. سـینمارفتن دیگر فقط فیلم‌دیدن نیست. این یک سـرگرمی برای نسل جوان اسـت. دنیای مجازی خیلی مشغله فکری جوانان شده اما سینما همچنان مورد قبول است. شـنیده‌ام در تمام دنیا توجه به گیشه سینما بیشتر شده و معلوم است میل مردم در دنیا به سینما بیشتر شده. موجی که اخیرا گریبان‌گیر سینما شده همانا ورود پول‌های مشکوک به این هنر است. اینکه سینما از دست اهل سینما دربیاید، خبر خوبی نیست. لزوما هرکس پولی دارد، نباید وارد سینما شود. سینما یک تخصص است. مثلا هرکس پول داشـته باشد نمی‌تواند نقاشی بکشـد یا ویلن بزند. صرف داشتن پول باعث شده سینما از مدار خارج شود. شما مجبورید به نیازها و گفته‌های صاحبـان پول تمکین کنید و نمی‌توانید خواسـته‌های آنها را نادیده بگیرید. خطری که الان سـینما را تهدید می‌کند این اسـت که صاحبان حرفه باید سـرمایه‌گذاری و جذب سرمایه کنند یا اسپانسر پیدا کند تا بتوانند کار را ادامه دهند.

درباره خانواده‌تان بگویید.

همسـرم، فریـده پوراتیـان، لیسـانس مـددکار اجتماعی اسـت و سال‌ها سـابقه کار در مؤسسـات خیریه را دارد. دو فرزند دارم. کیارش فوق‌لیسـانس مدیریت صنعتی دارد که دفتر پخشـیران را اداره می‌کند و سازنده فیلم‌های محیط‌زیستی اسـت و دخترم مرجان، فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی دارد و عضو هیئت تحریریه هفته‌نامه سلامت است.

زیر درختان زیتون

اخباری از «موزه سینما»

● **گروه هنـر:** موزه سـینمای ایران به مناسـبت فرارسـیدن «روز ملـی سـینما» (۲۱ شـهریور) برنامه‌هایی را تدارک دیده است. به همین مناسبت فیلم «تمرین آخر، تعزیه حر دلاور» سـاخته ناصر تقوایـی روز جمعـه ۲۲ شـهریور سـاعت ۱۹ در سالن سینما فردوس برای علاقه‌مندان به نمایش درمی‌آید. «تمرین آخر، تعزیه حر دلاور» که در سال ۱۳۸۳ ساخته شده، مستندی است از تمرین تعزیه حـر دلاور که متن آن در اوایل دوره قاجار توسـط «میرعزای کشی» مشهور به «کاشانی» نوشته شده است. «تقوایی» در این مسـتند توانسته ترکیبی از جنبه‌هـای مختلف تعزیه، موسـیقی، آواز، روایت و بازیگـری خاص تعزیه را عرضـه کند. این فیلم برای ثبت «هنر تعزیه» در فهرست میراث جهانی به یونسکو ارسال شد. همچنین برگزاری نمایشگاه کتاب بـا موضـوع سـینما، حضور سـینماگران، هنرمندان و پیش‌کسوتان سینما، حضور هنرمندان نقاش برای تصویرگری سـینماگران حاضر در این مجموعـه فرهنگـی و نمایش نخسـتین تصاویر سـینمای ایران «فیلم‌هـای میـرزا ابراهیم خان عکاس‌باشـی» در محوطه باز از دیگر برنامه‌های موزه سـینما اسـت. با توجه به مصادف‌شدن روز ملی سینما با ایام عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) و شهادت حضرت امام زین‌العابدین (ع) برنامه‌های تدارک دیده‌شـده برای روز ملی سینما روز جمعه ۲۲ شهریور برگزار می‌شود. بازدید از تالارهای موزه سـینمای ایران در روزهای پنجشنبه ۲۱ شهریور و جمعه ۲۲ شـهریور از سـاعت ۹ تا ۱۹ به صورت رایـگان خواهد بود. آخرین ورود به تالارهای موزه ساعت ۱۸ است.

همچنین مهـران عباسـی، مدیرعامـل موزه سینما، در احکام جداگانه‌ای سپیده حیدرآبادی را به‌عنوان مدیر روابط‌عمومی و مشاور مدیرعامل و سـارا حیدری را به‌عنوان مدیر نمایشگاه‌های موزه سـینما منصوب کرد. در بخشی از متن حکم مدیر جدید روابط‌عمومی آمده است: «نظر به شایستگی و سوابق ارزنده سـرکار عالی در امور برنامه‌ریزی، روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی به موجب این حکم به‌عنوان مدیر روابط‌عمومی موزه سینمای ایران و مشاور این‌جانب منصوب می‌شوید».

«کلاس رانندگی» برگزیده شد

● **گـروه هنر:** فیلـم کوتـاه «کلاس رانندگی» به کارگردانـی مرضیه ریاحی تندیـس بهترین فیلم کوتـاه درام سـیزدهمین جشـنواره جهانی فیلم I will tell انگلسـتان را به دسـت آورد. «کلاس رانندگـی» پیش‌ازایـن جایزه بهتریـن فیلم کوتاه شـانزدهمین جشـنواره فیلم «زردآلوی طلایی» ارمنسـتان و جایـزه بهتریـن فیلم کوتـاه بخش بین‌الملل ششـمین جشـنواره جهانی فیلم‌های زنان دوبلین ایرلند را نیز به دست آورده بود.

سیزدهمین جشـنواره جهانی فیلم I will tell انگلسـتان از ۳۰ آگوسـت تا ۹ سـپتامبر با شعار نور، عشـق و امید با نمایـش فیلم‌هایی با همین مضامین در لندن برگزار می‌شود.

جدول ۳۴۸۲ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- در نظرآوردن- لقمان از بی‌ادبان آموخت- در آفرینش ز یـک گوهرند ۲- سـزاوارتر- خانم کارآگاه مشهور- خبرگزاری ایتالیا ۳- بالشتک نان‌پزی- اسب حنایی‌رنگ - پوشیده و پنهان ۴- واحد اندازه‌گیری شار مغناطیسی- پرنده لذیذگوشت- صدای بلند ۵-انتقال صفات از والدین به فرزندان- مقام و مرتبه- دورنمای عمر ۶- دسـت مالیدن- جوانمرد- دوسـتی خالص ۷- تکرار حرفی- شـهری در خوزسـتان- شـکوه‌گر ۸- شـعرخواندن- از اجزای پیراهـن- پهلوان ایرانی دوره کیـکاووس در شـاهنامه ۹- بازگشـت از گناه- سنگین- حیوان وحشی ۱۰- حواری خائن- همنشین- ورزش آبی ۱۱- شهر مدفن پروین اعتصامی- مناسب تشریفات- برج ششم فلکی ۱۲- نفرین- قوم مغول- دربه‌دری ۱۳- قصاب گوشت را از آن آویزان می‌کند- درگذشـته- موجود خیالی ۱۴- طناز- پایتخت ژاپن- آهسته ۱۵- موزیسـین ژاپنی و خالق قطعه معروف جاده ابریشم- جابه‌جایی هوا- سوغات بیرجند.

عمودی:

۱- لنگه بـار- شـاخه‌ای از ریاضیـات- تحریک اعضای بدن برای خندیدن ۲- جسـت‌وجو گر- کتابی با حکایت‌های جالب و پندآموز سـروده مولوی ۳- از سرداران اسـکندر مقدونی- مانند- شهری در فرانسه ۴- مخلوط‌کن- اسـب آزموده- بالاپوش بلند مردان قدیم ۵- هـر ردیف دیوار گلی- گـروه ۶- دختر امام علی(ع)- سلول جنسی بالغ- داخل ۷- چوبه اعدام- پاک‌کردن- فلانـی ۸- نفت دریای شـمال- بیماری زردی- سـواره ۹- آشـکار- متخصـص در کارهای سـاختمانی- شـرم ۱۰- مخترع تلفن- رودی جاری در مازندران- کوهی در خراسان رضوی ۱۱- اجاره‌دهنده- درشـت‌هیکل و بدقـواره ۱۲- دلسـردی- خطـوط سایه‌روشـن- غاری شگفت‌انگیز در زاهدان ۱۳- گیرنده امواج تلویزیونی- عدل- ماه تابستانی ۱۴- کنایه از تأخیر و سسـتی اسـت- نوعی ماده رنگی برای نقاشی ۱۵- سراب دیدنی کنگاور- گوشت سـرخ‌کرده که تخم‌مرغ روی آن بشکنند- تردید.

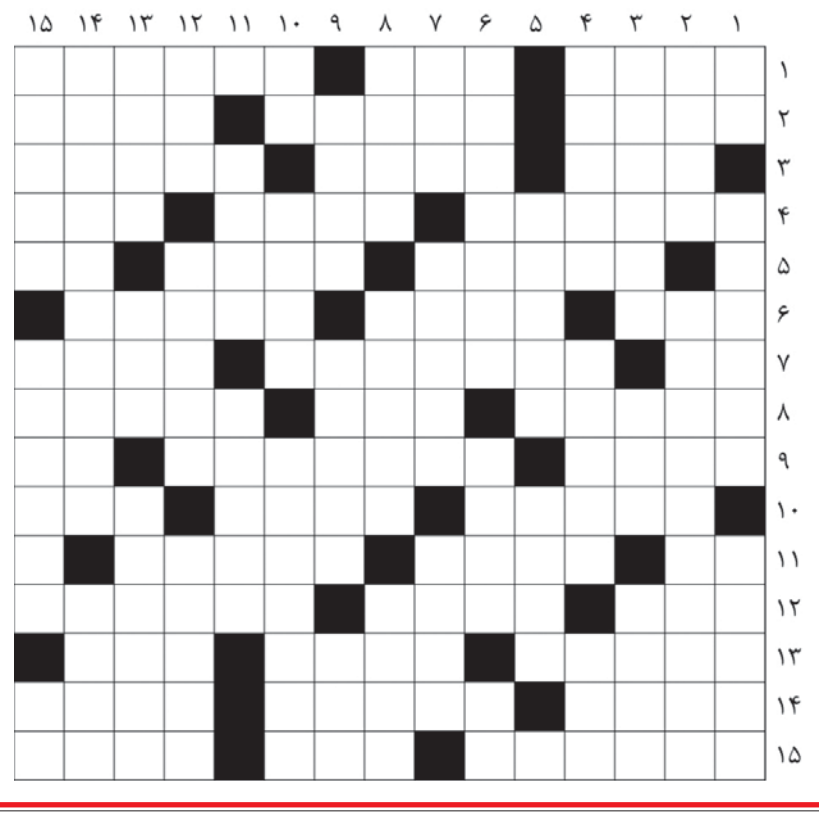

حل سودوکو سخت

۵	۳	۴	۶	۷	۲	۹	۱	۸
۶	۱	۷	۸	۹	۳	۵	۲	۴
۹	۲	۸	۱	۵	۴	۶	۷	۳
۷	۵	۱	۳	۴	۹	۲	۸	۶
۳	۴	۹	۲	۶	۸	۱	۵	۷
۲	۸	۶	۵	۱	۷	۳	۴	۹
۱	۹	۵	۴	۸	۶	۷	۳	۲
۸	۷	۲	۹	۳	۱	۴	۶	۵
۴	۶	۳	۷	۲	۵	۸	۹	۱

حل سودوکو ۲۴۷۷

۸	۴	۵	۶	۲	۹	۷	۱	۳
۶	۹	۱	۷	۳	۸	۲	۴	۵
۳	۲	۷	۵	۴	۱	۹	۶	۸
۵	۱	۳	۸	۹	۲	۶	۷	۴
۴	۶	۲	۳	۵	۷	۱	۸	۹
۷	۸	۹	۴	۱	۶	۳	۵	۲
۲	۳	۸	۱	۶	۴	۵	۹	۷
۹	۷	۶	۲	۸	۵	۴	۳	۱
۱	۵	۴	۹	۷	۳	۸	۲	۶

جدول ۳۴۸۱

سودوکو سخت ۲۴۷۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۷	۴						۹
۳			۱	۹		۲		
					۷		۵	
۲				۷	۶		۴	۸
				۱				
۸	۴		۲	۵				۱
	۶		۹					
		۳		۴	۱			۶
۴						۵	۳	

سودوکو ساده ۲۴۷۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۶	۱	۷	۸	۵	۳	
		۱					۴	
۲	۳	۷		۹		۶		
۶		۴				۸		
	۹		۸		۶		۲	
		۸				۱		۶
		۳		۲		۴	۸	۹
	۷					۲		
	۶	۲	۹	۴	۵	۳		